

قوه قضائیه

در حاشیه فصل یازدهم قانون اساسی قسمت دوم



بسمه تعالی

شورای عالی قضائی و تهیه لوایح

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قوه قضائیه زیر نظر شورائی تحت عنوان شورای عالی قضائی قرار گرفته است. چنین شورائی با اینگونه اختیارات تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم در هیچ کشوری سابقه نداشته و ندارد.

البته بموجب قوانین جاری فرانسه در سازمان عدلیه شورای قضائی پیش‌بینی شده است. (CONSEIL DE LA MAGISTRATURE) ولی وظایفی در حدود امور استخدامی و آموزش و امور مشابه به آن بعهدده دارد و قابل مقایسه با شورای عالی قضائی پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد.

در ایران اوایل مشروطیت، «تشکیلات عدلیه و مجلس مشاوره عالی» وجود داشته که آنهم امور استخدامی و ترفیع و شاید بررسی لوایح قانونی را انجام میداده است. اینک به شرح وظایف و حدود اختیارات این شورا از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

البته لازم به تذکر است که تفسیر قانون اساسی براساس قانون مزبور بعهدده شورای نگهبان است، ولی منظور از این اصل تفسیر قانونی است و بدان معنی نیست که همگان را از هرگونه تفسیر و اظهار نظر علمی جلوگیری نماید، بلکه اظهار عقیده و نظر در رابطه با محتوای قانون اساسی بمنظور جولان افکار، و ارائه انظار شاید هم مفید و سودمند باشد. زیرا مطرح انظار قرار گرفتن و تقدوایراد، مسائل را پخته‌تر و دقیق‌تر می‌سازد.

«ان حیات العلم بالبحث و النقد»
در بند دوم اصل صد و پنجاه هفتم در عداد وظایف شورای عالی قضائی چنین آمده است:
«تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی»

در توضیح این بند، دو جهت قابل بحث است، یکی اینکه ببینیم منظور از لوایح قضائی چیست؟ و دوم اینکه معنای تهیه چیست؟

اما جهت اول - لوایح قضائی چیست؟
در پاسخ این سؤال باید گفت هر چند دائره

پنجاه هشتم قانون اساسی وظایف قوه قضائیه به شرح زیر بر شمرده است.

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین میکند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

همانطور که ملاحظه می‌کنید اصل فوق بدون توجه به اینکه آیا امور فوق از مصادیق قضاء می‌باشد یا خیر، مسائل بر شمرده را از وظایف قوه قضائیه محسوب نموده است.

روی این حساب کلیه قوانینی که با وظایف مزبور رابطه پیدا میکند و در حدود مسئولیت شورای عالی قضائی است، مشمول لوایح قضائی خواهد بود و تهیه آن با شورای نامبرده می‌باشد.

علاوه بر آن یک سلسله لوایح قانونی مربوط به شئون دیگر کشور، از قبیل اداری، مالی و اقتصادی، انتظامی و غیره نیز در بسیاری موارد با قوه قضائیه مرتبط میگردد. لذا در آن قسمت از لوایح قانونی که بنحوی جنبه قضائی پیدا میکند باز بدون هماهنگی با قوه قضائیه قابل تهیه نخواهد بود.

مثلاً اگر وزارت دارائی در قوانین مالیاتی برای افرادی که از پرداخت مالیات خود سرپیچی نمایند شش ماه زندان بعنوان ضمان اجرا پیش‌بینی نماید، تردیدی نیست که مجری این قانون قوه قضائیه است لذا در تهیه قانون آن بایستی آن قوه دخالت مستقیم داشته باشد. و در صورت اختلاف نظر شورای مزبور با وزارت مربوطه به موجب اصل ۱۵۷ نظر شورای عالی قضائی قطعی خواهد بود.

تهیه لوایح یعنی چه؟
به موجب اصل ۱۵۷ قانون اساسی جمهوری

مفهوم قضاء آنطور که در بعضی از متون فقهی آمده است بسیار محدود است، زیرا برآن اساس قضاء فصل خصومت بین متخاصمین تعریف شده است و این مفهوم بسیار مصادیق محدودی خواهد داشت، ولی از نظر معنوی دائره بسیار وسیعتری دارد.

در زبان انگلیسی در مقابل واژه قضائی لغت JUDICIAL قرار میگیرد و در فرهنگ چنین تفسیر میگردد: JUDICIAL: PERTAINING TO JUDGMENTS IN COURTS OF JUSTICE
صلاحیت اعلام حق هر فرد و تعیین مجازات و تعیین اجر افراد (عدالت).

ولی قطع نظر از مفهوم لغوی قضاء و نیز تعاریفی که در معنای اصطلاحی آن شده است، در اصل یکصد و

* تهیه لوایح قضائی

متناسب با جمهوری اسلامی

از وظائف شورای عالی قضائی

است و از نظر قانون اساسی

هیئت وزیران عملی که

مخالف با «تهیه» باشد انجام

نمی‌دهد.

* هیئت وزیران می‌تواند

بر اساس مصالح و خط مشی

سیاسی خویش از تقدیم یک

لایحه قضائی به مجلس بطور

کامل مخالفت نماید ولی

تغییرات ماهوی در آن

نمی‌دهد.

* استقلال قوه قضائیه

بگونه‌ای که در قانون اساسی

جمهوری اسلامی منظور

گردیده در هیچیک از

کشورها نظیر ندارد.